

کتابهای
آسمانه

مقدمه‌ای بر تاریخ شفاهم‌عماری ایران

سیده میترا هاشمی

با مقدمه

مهرداد قیومی بیدهندی

سرشناسه	: هاشمی، سیده‌میترا، ۱۳۶۴-
عنوان پدید آورنده	: مقدمه‌ای بر تاریخ شفاهی معماری ایران / سیده‌میترا هاشمی.
مشخصات نشر	: تهران: روزنه، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۵۰۴-۴
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: معماری -- ایران -- تاریخ
رده‌بندی کنگره	: NA۱۴۸۰/۵۲م۷ ۱۳۹۳
رده‌بندی دیویی	: ۷۲۰/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۵۰۱۵۶۴



مقدمه‌ای بر تاریخ شفاهی معماری ایران

سیده میترا هاشمی

طرح جلد: سینا زارعی

صفحه‌آرا: هادی عادل‌خانی

چاپ اول: ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: مجاب

آدرس: خیابان میرزای شیرازی، نرسیده به تقاطع مطهری، پلاک ۲۰۲، طبقه ۳، انتشارات روزنه

تلفن: ۶۶۵۶۷۹۲۵ - ۶۶۴۳۰۵۰۳ - ۶۶۵۶۷۹۲۶ نمابر: ۶۶۵۶۷۹۲۶

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۵۰۴-۴ ISBN: 978-964-334-504-4

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

این کتاب با حمایت مالی سرکار خانم عفت زبرجدی منتشر شده است.

تقریظ

در زبان فارسی و جز آن، علاوه بر مطلق «تاریخ»، ترکیب‌های اضافی‌ای ساخته از واژه «تاریخ» می‌خوانیم و می‌شنویم؛ ترکیب‌هایی از قبیل «تاریخ اصفهان»، «تاریخ افشاریه»، «تاریخ معماری»، «تاریخ فلسفه»، «تاریخ علم»، «تاریخ فرهنگ»، و اخیراً «تاریخ خانواده»، «تاریخ اندیشه»، «تاریخ روان»، «تاریخ فرهنگی»، «تاریخ ذهنیت». چه اینها را ترکیب وصفی بگیریم (مانند «تاریخ فرهنگی») و چه اضافی (مانند «تاریخ ذهنیت»)، چه تاریخ در مقام مضاف باشد و چه موصوف، مدلول همه این تعابیر «تاریخ» است. در همه اینها، با نوعی از تاریخ مواجهیم که یا با افزودن چیزی بدان آن را از دیگر انواع تاریخ ممتاز کرده‌اند، یا با اتصاف صفتی. در این ترکیب‌ها، گاهی مضاف‌الیه پاره‌ای از زمین است — منطقه‌ای یا شهری یا بنایی؛ چون «تاریخ ایران» و «تاریخ یزد» و «تاریخ مسجد جامع اصفهان». گاهی مضاف‌الیه پاره‌ای از زمان است — دوران یا دوره‌ای؛ چون «تاریخ تیموریان» و «تاریخ دوران اسلامی». گاهی مضاف‌الیه ترکیبی است از زمین و زمان؛ چون «تاریخ کرمان در دوره سلجوقیان». گاه واقعه‌ای است خرد یا کلان؛ مانند «تاریخ انقلاب کبیر» و «تاریخ جنگ ایران و عراق». گاهی مضاف‌الیه مفهوم یا مایه‌ای است؛ چون «تاریخ عقل» و «تاریخ رنگ» و «تاریخ جنگ» و «تاریخ ذهنیت». گاه امری است مربوط به افراد یا جوامع انسانی؛ چون «تاریخ خانواده» و «تاریخ فرهنگ». به

همین نحو، می‌توان اقسام ترکیب‌های اضافی یا وصفی تاریخ را برشمرد و دسته‌بندی کرد؛ اما در دسته‌بندی‌ای کلی‌تر، برخی از این ترکیب‌ها بر روشی یا رویکردی یا دیدگاهی در تاریخ دلالت می‌کند و برخی نه. به سخن دیگر، ترکیبی مانند «تاریخ اصفهان» گواه بر روش یا رویکردی در تاریخ نیست؛ اما ترکیبی چون «تاریخ ذهنیت» چنین است. می‌توان تاریخ اصفهان را با رویکرد تاریخ ذهنیت یا تاریخ فرهنگی نوشت.

در دسته اخیر، یعنی رویکردهای تاریخ، گاهی تفاوت نوعی از تاریخ با تاریخ‌های دیگر بیشتر ناشی از دیدگاه است، گاهی ناشی از نظریه‌ای است که در آن به کار گرفته می‌شود، گاهی مبتنی بر روش‌گزینش شواهد و منابع یا طرز رفتار با آنها، گاهی در روش جستجو و گاه در نوع تفسیر. «تاریخ شفاهی» از کدام قسم است؟ ترکیب وصفی تاریخ شفاهی دلالت بر نوعی از تاریخ می‌کند که به صفت «شفاهی» موصوف است. اما تاریخ چگونه ممکن است شفاهی باشد؟ چه چیز تاریخ شفاهی «شفاهی» است؟ آیا تاریخ شفاهی تاریخی است که شفاهی بازگو می‌شود؟ آیا تاریخ شفاهی تاریخی است که عمل جستجو و تفسیر در آن شفاهی انجام می‌گیرد؟ آیا تاریخی است که منبعش شفاهی است؟ آیا محض شفاهی بودن منبع کافی است که تاریخی شفاهی باشد؟

در سالیان اخیر، تاریخ شفاهی در ایران بیش از دیگر انواع جدید تاریخ با اقبال مواجه شده است. از نوشته‌ها و کارهایی که در این باره در ایران انجام گرفته است چنین برمی‌آید که تصور غالب از تاریخ شفاهی تاریخی است که منبع آن شفاهی باشد. بسیاری از کسانی که به تاریخ شفاهی پرداخته‌اند گمان کرده‌اند که تاریخ شفاهی همان گردآوری و ثبت و ضبط خاطرات است و اگر خاطرات را به جای ثبت نوشتاری، به ثبت صوتی درآورند، به تاریخ شفاهی پرداخته‌اند. عده‌ای هم گمان برده‌اند که کار تاریخ شفاهی پرداختن به فرهنگ شفاهی است؛ یعنی به آنچه در قالب افسانه‌ها و ضرب‌المثل‌ها و گویش‌ها و مانند اینهاست. تاریخ شفاهی هیچ‌یک از اینها نیست.

«شفاه» جمع «شفه»، به معنای «لبان» است. تاریخ‌نامه‌ها از دیرباز

بر اقوال شفاهی مبتنی بوده است و مورخان اخبار رویدادها را یا در نوشته‌های گذشتگان می‌یافتند، یا می‌دیدند، یا از لب و دهان کسانی می‌شنیدند. اگر تاریخ شفاهی را به جهت شفاهی بودن منبعش بدین نام بخوانند، بسیاری از تاریخ‌ها، از گذشته تا به حال، تاریخ شفاهی است. آنچه تاریخ شفاهی اصطلاحی را از دیگر تاریخ‌ها ممتاز می‌کند چیزی بیش از شفاهی بودن منبع است.

منبع— یعنی آنچه حاوی و حامل شواهد تاریخی است— از مهم‌ترین ارکان همهٔ اقسام تاریخ است؛ تا جایی که وجه ممیز برخی از انواع یا رویکردهای تاریخ با انواع یا رویکردهای دیگر در نوع منبعی است که اختیار می‌کنند یا طرزی است که با منابع رفتار می‌کنند. تاریخ شفاهی از این جهت از دیگر تاریخ‌ها ممتاز می‌شود که معطوف به منبع شفاهی است، اما نه فقط از حیث شفاهی بودن؛ بلکه از حیث اعتبار و حفظ. بیشتر شاهدان رویدادها مشهود خود را به قید نوشته در نمی‌آورند؛ پس همواره و در بیشتر روزگاری که بر انسان گذشته است، روایت کثیری از شاهدان به ما نرسیده است. باید کاری کنیم که آنچه شاهدان رویدادها در روزگار ما دیده‌اند— یعنی روایت آن دسته بزرگ از شاهدان رویدادها که شهادتشان را نمی‌نویسند یا حتی نقل نمی‌کنند— ثبت شود و به آیندگان برسد. آنچه تاریخ شفاهی را «تاریخ شفاهی» می‌کند اهتمام به فراهم آوردن منبع برای مورخان حال و آینده است؛ منبعی فراتر و گسترده‌تر از آنچه در تاریخ‌های رسمی، و ناگزیر متأثر از صاحبان زور و زر، درج می‌شود. توجه تاریخ شفاهی معطوف به تدارک منبعی غالباً مغفول و خارج از دایرهٔ تاریخ‌های رسمی برای مورخان است. همهٔ کسانی که سخنانی دربارهٔ رویدادهای تاریخی می‌گویند منبع تاریخ شفاهی نیستند؛ بلکه فقط آن دسته از گزارشگران منبع تاریخ شفاهی شمرده می‌شوند که خود مستقیم و بی‌واسطه رویدادی را دیده باشند. غیررسمی بودن منبع، شفاهی بودن منبع، معاصرت منبع با رویداد تاریخی (و در نتیجه، معاصر بودن رویداد)، ثبت گزارش شاهدانی که در زمانی کوتاه به کلی از دست می‌روند و تا ابد دست انسان‌ها به آنان

نمی‌رسد، دقت در ثبت و ضبط ویژگی‌هایی است که تاریخ شفاهی را از دیگر اقسام تاریخ ممتاز می‌کند.

افزون بر اینها، ویژگی دیگری هم هست که تاریخ شفاهی را معین و ممتاز می‌کند. همه کسانی که تاریخی نوشته‌اند و گزارشی از رویدادها داده‌اند مدعی بوده‌اند که در گزارش خود دخالت نکرده‌اند. با این حال، می‌دانیم که هرکس، هر قدر صادق و بی‌طرف، در گزارش خود حاضر است و چیزی از خود را در آن منتقل می‌کند. از ویژگی‌های تاریخ شفاهی اذعان به تأثیر و مداخله مورخ و مخبر در روایت است. مخبر، که شاهد رویداد تاریخی است، منبع تاریخ شفاهی است؛ اما مورخ شفاهی است که او را به سخن گفتن وامی‌دارد و گفتگو را به سویی می‌کشاند که می‌خواهد؛ از چیزی می‌پرسد و از چیز دیگر نه؛ بر برخی از مواضع سخن پا می‌فشارد و از مخبر توضیح می‌خواهد و برخی دیگر را شایسته تأمل و تأکید نمی‌شمارد. خلاصه اینکه تاریخ شفاهی در بین مخبر و مورخ شکل می‌گیرد و تکوین می‌یابد. تأکید بر اهمیت یکی از همین دو قطب است که اقسامی از تاریخ شفاهی را پدید می‌آورد.

هنگامی که لفظ گنگ و بس معنای «معماری» به ترکیب «تاریخ شفاهی» افزوده شود، آن را پیچیده‌تر می‌کند. پیداست که تاریخ شفاهی معماری بستگی تام به تلقی ما از «معماری» دارد. نویسنده محترم در متن کتاب به کفایت به این موضوع پرداخته‌اند؛ در اینجا به همین اشاره بسنده می‌کنیم که همه دامنه گسترده معماری مستعد تاریخ شفاهی است. معماری فاعلانی دارد؛ از بانی و حامی و واقف گرفته، تا مهندس و معمار و بنا و کارگر و اقسام مهندسان و هنرمندان دخیل در معماری. این فاعلان معماری یا فقط عامل رویداد معماری‌اند و کسانی کارشان را شاهد بوده‌اند؛ یا خود هم عامل رویداد معماری‌اند و هم شاهد آن. همچنین‌اند کسانی که رویدادها و زندگی جاری در بناها را شاهد بوده‌اند؛ یا رویدادهایی مربوط به مراحل گوناگون سفارش دادن و طراحی و ساختن بناها و زیستن در آنها؛ یا متروک و ویران شدن بناها و تخریب آنها را دیده‌اند. هرچه این منابع زنده کهن‌سال‌تر باشند، اهمیت

آنها برای تاریخ معماری بیشتر می‌شود: نخست به این دلیل که بسیاری از ایشان شاهد رویدادهایی از بقایای سنت معماری نامدرن ایران بوده‌اند که دیگر از دسترس ما دور است؛ و دیگر اینکه ایشان بیش از دیگر منابع در خطر نابودی‌اند.

کتاب حاضر نخستین کتاب در زمینه تاریخ شفاهی معماری ایران، و بلکه از معدود کتاب‌ها در زمینه تاریخ شفاهی معماری در جهان است. به لطف خدای مهربان، این نخستین کتاب به دست محققى نوشته شد که هم نشاط جوانی دارد و هم، در عین جوانی، ذهنی پخته و منضبط و دقیق و قلمی روان. کتاب هم حاوی مباحث نظری تاریخ شفاهی معماری است و هم مباحث عملی آن. به نظر این‌جانب، کتاب حاضر نه فقط به کار اندیشمندان و پژوهندگان تاریخ معماری ایران می‌آید، بلکه پژوهشگران تاریخ در دیگر حوزه‌ها و رشته‌ها نیز آن را منبعی عمیق و گویا و جامع و سودمند خواهند یافت.

ستایش در آغاز و انجام از آن خداست

مهرداد قیومی بیدهندی

تهران، دانشگاه شهید بهشتی

بهمن ۱۳۹۲